

تاریخ ادبیات عرب

نویسنده
رینولد نیکلسون الین

ترجمه
کیواندخت کیوانی

تهران، یک هزار و سیصد و هشتاد

فهرست

| | | |
|----|-------|----------------------------------|
| ۱۷ | | مقدمه |
| ۱۹ | | یادداشت مؤلف |
| | | فصل اول |
| ۳۳ | | سبأ و حمیر - اقوام نخستین |
| ۳۵ | | داستان ثمود |
| ۳۶ | | عمالیق |
| ۳۶ | | طشم و جدیس |
| ۳۶ | | تاریخ یقطانیان |
| ۳۸ | | حمیریان |
| ۳۸ | | منابع اطلاعات |
| ۳۹ | | کتیبه‌های عرب جنوب |
| ۳۹ | | نظری به قوم حمیر |
| ۴۰ | | کشف و استخراج کتیبه‌های عرب جنوب |
| ۴۲ | | ارزش تاریخی کتیبه‌ها |
| ۴۲ | | کتیبه‌های دعایی |
| ۴۴ | | منابع ادبی |
| ۴۴ | | الْحَمْدَانِی |
| ۴۵ | | نشوان بن سعید حمیری |
| ۴۵ | | عبید بن شریه |
| ۴۶ | | حمزه اصفهانی |
| ۴۷ | | سد مأرب |
| ۴۷ | | خرابی سد در اثر بلا |
| ۴۸ | | سقوط امپراطوری سبأ |
| ۴۹ | | بلقیس |
| ۵۰ | | اسعد کامل |

| | | |
|-----|-------|---|
| ۸۰ | | جبله بن الایهم |
| ۸۱ | | منذرین حارث |
| ۸۲ | | توصیف حسان بن ثابت از پایتخت غسانیان |
| ۸۳ | | تمدن غسانیان |
| ۸۳ | | مدحیه نابغه ذیبانی |
| ۸۴ | | مشخصات تاریخ اعراب بدوی |
| ۸۴ | | رفتار اعراب بدوی |
| ۸۵ | | جنگ بسوس |
| ۸۵ | | کلیب بن ربیع و حساس بن مره |
| ۸۷ | | شروع جنگ بین ثعلب و بکر |
| ۹۰ | | زنان جنگجو |
| ۹۰ | | جنگ داحس و غبرا |
| ۹۱ | | حجاز |
| ۹۳ | | رواج بت پرستی در مکه |
| ۹۴ | | داستان قصی |
| ۹۵ | | قصی فرمانروای مکه |
| ۹۶ | | عامل الفیل |
| ۹۶ | | حبشیان در مکه |
| ۹۸ | | فرار حبشیان |
| ۹۹ | | سوره الفیل |
| ۱۰۰ | | جنگ ذی قار |
| | | فصل سوم |
| ۱۰۱ | | شعر، آداب و مذهب قبل از اسلام |
| ۱۰۲ | | اصل اشعار عربی |
| ۱۰۳ | | شعر هجویه |
| ۱۰۵ | | قدیمی ترین اشعار موجود |
| ۱۰۶ | | قصیده |
| ۱۰۷ | | شرح ابن قتیبه از محتوی و تقسیم بندی قصیده |
| ۱۰۸ | | قهرمان ایده آل عرب |
| ۱۱۰ | | نظریات اعراب باستانی از مفاخره |
| ۱۱۳ | | داستان سموئل بن عادیا |

| | | |
|----|-------|----------------------------------|
| ۵۰ | | تصنیف سه جادوگر |
| ۵۱ | | اسعد کامل و دو پیشگوی مدینه |
| ۵۲ | | بنیان گذاری دین یهود در یمن |
| ۵۳ | | قلاع یمن |
| ۵۴ | | زرقاء یمامه |
| ۵۵ | | ذونواس |
| ۵۷ | | یمن تحت حمایت حبشیان |
| ۵۷ | | ابرهه و اریاط |
| ۵۸ | | سیف بن ذی یزن |
| | | فصل دوم |
| ۵۹ | | تاریخ و افسانه های عربان بت پرست |
| ۵۹ | | منابع مربوط به دوره جاهلیت |
| ۶۰ | | الاغانی |
| ۶۱ | | دودمانهای غسان و حیره |
| ۶۲ | | أذینه و زنبویا |
| ۶۳ | | جذیمه الابرش |
| ۶۴ | | داستان زباء |
| ۶۶ | | بنیان گذاری حیره |
| ۶۷ | | العباد |
| ۶۸ | | لخمی ها |
| ۶۸ | | قصر خورنق |
| ۷۱ | | ظهور کننده |
| ۷۱ | | مزدک |
| ۷۲ | | مرگ منذر |
| ۷۲ | | حنظله و شریک |
| ۷۶ | | ازدواج عدی با هند |
| ۷۶ | | انتقام گرفتن زیدبن عدی |
| ۷۸ | | شخصیت نعمان سوم |
| ۷۸ | | گرایش نعمان به مسیحیت |
| ۷۸ | | غسانیان آل جفنه |
| ۷۹ | | حارث اعرج |

| | |
|-----|--------------------------------|
| ۴۴۹ | از حمله مغول تا عصر حاضر |
| ۴۵۰ | حمله مغول |
| ۴۵۱ | چنگیز و هلاکو |
| ۴۵۲ | هلاکو در بغداد |
| ۴۵۲ | غار ت بغداد |
| ۴۵۳ | جنگ عین جالوت |
| ۴۵۴ | ممالیک مصر |
| ۴۵۴ | سلطان بیبرس |
| ۴۵۴ | خلفای عباسی در مصر |
| ۴۵۵ | شعر عربی بعد از حمله مغول |
| ۴۵۵ | صفی‌الدین الحلی |
| ۴۵۶ | شعرهای مردمی و عامیانه |
| ۴۵۷ | ابن خلکان |
| ۴۵۹ | تاریخ نویسان دوره ممالیک |
| ۴۵۹ | مقریزی |
| ۴۶۰ | جلال‌الدین سیوطی |
| ۴۶۲ | سایر محققان این دوره |
| ۴۶۳ | کتاب هزار و یکشب |
| ۴۶۴ | اصل فارسی هزار و یکشب |
| ۴۶۴ | هزار افسان |
| ۴۶۶ | منابع مختلف مجموعه |
| ۴۶۶ | داستان عنتر |
| ۴۶۷ | سنت و تصوف |
| ۴۶۸ | سرکوب ملاحظه |
| ۴۶۹ | ابن تیمیّه |
| ۴۷۱ | شعرانی |
| ۴۷۲ | محمدبن عبدالوهاب و جانشینان او |
| ۴۷۳ | اصلاح و هابیت |
| ۴۷۴ | سنوسی‌ها در آفریقا |
| ۴۷۵ | اسلام و تمدن جدید |

مقدمه

در میان دانشمندان خاورشناس و محققان زبان و ادب فارسی و ادبیات عرب، رینولد البین نیکلسون^۱ (متوفی در ماه اوت ۱۹۴۵ میلادی) مقامی شاخ و والا دارد، و مخصوصاً از جهت تحقیقات در تصوف و عرفان اسلامی شهرت و اعتبار زیاد به دست آورده‌است. او با شیفتگی و علاقه خاص متون صوفیانه و عرفانی را تصحیح و چاپ و ترجمه و شرح کرده‌است که از آن جمله است: کشف المحجوب هجویری که در ۱۹۱۱ میلادی ترجمه‌اش را انتشار داده و داستانهای عرفانی را با شرح و ترجمه منتشر ساخته، و تذکره اولیاء عطار را نیز چاپ کرده و مرحوم علامه محمد قزوینی از روی آن، همان کتاب را با مقدمه‌ای به چاپ رسانیده است.

همچنین اللمع فی التصوف تألیف ابونصر سراج طوسی را تصحیح و خلاصه آن را به زبان انگلیسی ترجمه کرده و منتشر ساخته، و مقاله‌ای جامع در باب سیرالعباد الی المعاد سنائی نوشته و با عنوان «یک ایرانی پیشرو دانت» به چاپ رسانیده، نیز کتابی در باب تصوف اسلامی تألیف کرده‌است.

اما مهمترین و مشهورترین کار عرفانی و تحقیق علمی او در این باره، تصحیح مثنوی مولوی و ترجمه و شرح آن در هشت جلد است که از ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۰ میلادی آن را به چاپ رسانیده و مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران ایرانی و خارجی قرار گرفته است. چنانکه مرحوم استاد فروزانفر در کتاب شرح احوال و آثار مولانا نوشته است:^۲ «صحیح‌ترین نسخ مطبوع نسخه‌ای است که استاد نیکلسون با کمال دقت و مراقبت از روی نسخه‌های کهن (خطی و چاپی) به طبع رسانیده است و چاپ تهران معروف به علاءالدوله نیز در حد خود محل اعتماد تواند بود» و در جای دیگر نوشته: «نسخه مثنوی چاپ نیکلسون بی‌شبهه بهترین نسخه کامل و صحیح و قابل اعتمادی است که از مثنوی می‌توان بدست آورد» و درباره شرح مثنوی نیکلسون، مرحوم فروزانفر می‌نویسد:^۳

۱- برای شرح حال و آثارش رک: فرهنگ خاورشناسان تألیف ابوالقاسم سبحان. مقدمه شرح چهار تمثیل از مثنوی مولوی تألیف دکتر جواد سلماسی‌زاده و نقد حال نوشته مجتبی مینوی.

۲- مقدمه شرح مثنوی شریف ج یک ص ۱۳

۳- چاپ دوم ص ۱۶۵

«شرح استاد فقید رینولد الین نیکلسون بر مثنوی به زبان انگلیسی (طبع لیدن ۱۹۳۷ م.)
بی‌گمان دقیق‌ترین شروح مثنوی است که بر اصول صحیح انتقادی و با ذکر مآخذ و
اسناد تدوین شده و برای کشف اسرار و حل رموز مثنوی قابل اعتداد است.»

اکنون پیش از آنکه درباره کتاب حاضر، یعنی تاریخ ادبیات عرب، بحث کنیم باید
یادآور شویم که نیکلسون در زبان و ادبیات عرب تبخّر و استادی یافته، و بعد از
درگذشت استادش ادوارد براون، به استادی کرسی زبان عربی در دانشگاه کمبریج
منصوب شده، و رساله الغفران ابوالعلاء معری را با ترجمه و شرح خلاصه آن همراه با
بجی در ادبیات عرب در ۱۹۰۰ میلادی انتشار داده، و ترجمان الاشواق ابن العربی را
نیز تصحیح و ترجمه و شرح کرده و بسال ۱۹۱۱ میلادی منتشر ساخته است و مقالات
و آثار دیگری نیز در زمینه ادبیات عرب از آن استاد به چاپ رسیده که همه درخور
مطالعه و شایان توجه است.

این کتاب در آغاز به انگلیسی نگارش یافته و در ۱۹۰۷ به چاپ رسیده و بعد از
آن هم بارها چاپ شده است و کتاب درسی شمرده می‌شود، از جانب دیگر پیش از
ترجمه فارسی، به عربی نیز ترجمه شده و جای بسی خوشوقتی است که بانوی ارجمند و
دانشمند سرکار خانم کیواندخت کیوانی به ترجمه این اثر ارزشمند همت گماشته‌اند و
إن شاء الله که دوستداران تاریخ و ادب و دانش و فرهنگ عربی و اسلامی را سودمند
افتد، چه واللّٰهُ ولیُّ التّوفیقِ ولا مؤثّر فی الوجود إلا اللّٰهُ

در کتاب تاریخ ادبیات عرب، از قبایل و طوایف قدیم عرب و سرزمین عربستان، به
اختصار اما مفید و دقیق سخن به میان آمده و راجع به شعر در طوایف عرب و اهمیت
این شاخه از هنر و فن ادب، مطالبی سودمند مورد بحث قرار گرفته است.

نگارنده این سطور هم ضمن مطالعه کتاب، بعضی حواشی و توضیحات در اعلام
تاریخی و جغرافیایی افزوده و مخصوصاً درباره اعلام، که از عربی به انگلیسی و از
انگلیسی به فارسی برگردانده شده، دقت بسیار به عمل آمده و امید است که رفع ابهام
شده باشد، و اگر سهوی و اشتباهی دارد، باید خوانندگان به دیده اغماض نگرند و
زحمت و رنج مترجم محترم را در نظر گیرند.

برای خانم کیواندخت کیوانی و همه دوستداران و خدمتگزاران فرهنگ و ادب و
دانش، از خداوند بزرگ توفیق مسألت دارد.

دکتر ضیاء الدّین سجّادی

آبان ماه ۱۳۶۹ شمسی

یادداشت مؤلف

سامیان

قوم عرب^۱ به طایفه‌ای بزرگ از ملل منسوب است که چون ایشان را از نسل سام پسر
نوح می‌دانند، سامی نامند. نژاد سامی شامل اقوام بابلی، آشوری، عبری، فنیقی،
آرامی، حبشی، سبئی و عربی است.

گرچه این طبقه‌بندی از نظر نژادی دقیق نیست (چنانکه فنیقی‌ها و اهل سبأ، در کتاب
پیدایش تورات فصل دهم، فرزندان حام شناخته شده‌اند). «ایکهورن» (۱۸۲۸ م.) این
طبقه‌بندی را شامل تمام مردم به هم وابسته‌ای کرده است که از آن نام بردیم. هنوز مسلم
نیست که موطن اصلی نژاد تقسیم شده «سامی»، قسمتی از آسیا (عربستان، ارمنستان یا
ناحیه سفلی فرات) بوده یا طبق نظریه جدیدی که در این اواخر مورد توجه قرار گرفته،
قائل شویم که سامی‌ها از آفریقا وارد آسیا شده‌اند.^۲

سالها قبل از آن که سامی‌ها در صحنه تاریخ ظاهر شوند، این نژاد از نژاد اصلی خود
جدا شده، ملیت‌های مختلفی را تشکیل داده بودند. در اینجا وقت آن نیست که ما ارتباط
میان زبانهای سامی را با یکدیگر مورد بحث قرار دهیم ولی می‌توانیم به ترتیب تاریخی و
بر اساس مدارک موجود ادبی، آنها را ذکر کنیم.^۳

۱ - بابلیان یا آشوریان (از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد)

۲ - عبریان (از ۱۵۰۰ قبل از میلاد)

۱- واژه عرب اسم جنس جمعی است و بر ساکنان بیابان و شهر اطلاق می‌گردد و جمع آن اعراب و عرب و عرب
می‌باشد. و واژه اعراب اسم جنس جمعی برای ساکنان بیابان است و جمع آن اعراب است و بعضی به خطا
اعراب را جمع عرب می‌دانند و بکار می‌برند.

2- H. Grimme, Weltgeschichte in Charakterbildern: Mohammed (Munich, 1904) p.6 sqq.

3- Die Semitischen Sprachen of Nödleke. (Leipzig, 1899).

یا مقاله همان مؤلف «زبانهای سامی» در بریتانیکا ج ۱۱